



بازی «ابومازن» در زمین سعودی/ خوش رقصی برای ریاض به چه قیمتی؟

دیدار رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین با سرکرده گروهک منافقین تنها به فاصله ۳ هفته از اعلام حمایت آشکار سعودی از این گروهک، شائبه خوش رقصی «محمود عباس» برای ریاض را بیش از پیش تقویت کرده است.

به گزارش آران نیوز: «محمود عباس» رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین روز شنبه هفته جاری با «مریم رجوی» سرکرده گروهک منافقین در «پاریس» پایتخت فرانسه دیدار و گفتگو کرد. دیدار عباس با این سرکرده گروهک تروریستی - خواسته یا ناخواسته - نوعی دهن کجی آشکار به جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود، چراکه همگان می‌دانند جمهوری اسلامی ایران به محض پیروزی انقلاب خود ضمن تعطیل کردن سفارت رژیم صهیونیستی در تهران، این سفارتخانه را به سازمان آزادی بخش فلسطین تحویل داد. این بدین معنا است که اولین سفارت فلسطین در خارج از این کشور در تهران افتتاح شد.

از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم فشارهای بسیاری که از سوی کشورهای منطقه ای و بین‌المللی طی سال‌های اخیر متحمل شده است، هیچگاه نه تنها از حمایت از مسأله فلسطین دست نکشیده، بلکه از آن به عنوان یکی از آرمان‌های انقلاب خود یاد کرده است. هرچند که در طول این سال‌ها بسیاری از مواضع تشکیلات خودگردان فلسطین به ریاست محمود عباس با مواضع اصولی جمهوری اسلامی ایران در تعارض بوده، اما تهران همواره روابط نسبتاً خوب و مناسبی با تشکیلات خودگردان داشته است و این مسأله بر هیچکس پوشیده نیست.

دیدار «محمود عباس» رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین با «مریم رجوی» سرکرده گروهک منافقین تنها پس از گذشت 3 هفته از حمایت آشکار و صریح رژیم سعودی از رجوی صورت گرفت. «ترکی الفیصل» رئیس سابق دستگاه اطلاعات رژیم سعودی و مقام بلندپایه این رژیم حدود 3 هفته پیش در همایش سالیانه فرقه رجوی در پاریس اقدام به ایراد سخنانی کرد. وی در اظهارات خود، گروهک منافقین را خطاب قرار داده و گفت: «ما با شما هستیم؛ ما در کنار شما هستیم». این مقام سعودی همچنین ادامه داد: «از خداوند می‌خواهیم تا شما را در رسیدن به اهدافتان یاری دهد».

بر همین اساس، نمی‌توان فرضیه درخواست سعودیها از ابومازن برای انجام دیدار با «مریم رجوی» را نادیده گرفت و به آسانی از کنار آن عبور کرد. اینگونه به نظر می‌رسد که سعودیها ادامه هرگونه کمک خود به تشکیلات خودگردان فلسطین را منوط به تحقق شروطی کردند که دیدار ابومازن با رجوی یکی از این شروط بوده است. از سوی دیگر، حتی اگر فرضیه فشار سعودیها بر ابومازن برای دیدار با «مریم رجوی» نیز کنار برود، باز هم فاصله زمانی بسیار نزدیک «حمایت آشکار سعودیها از گروهک منافقین» و «دیدار عباس با سرکرده این گروهک» این شائبه را به وجود می‌آورد که وی به دنبال خوش رقصی برای رژیم سعودی و کسب حمایت بیش از پیش آن بوده است.

نیاز مبرم تشکیلات خودگردان فلسطین به رژیم سعودی چه از لحاظ سیاسی و چه از لحاظ اقتصادی، این فرضیه (خوش خدمتی به ریاض) را بیش از پیش تقویت می‌کند. تشکیلات خودگردان فلسطین همچنان با گروه‌های مقاومت فلسطین در منازعه به سر می‌برد و بر سر مسائلی مانند «مقاومت مسلحانه» و «ساز و کار تشکیل دولت مستقل» به شدت با آنها اختلاف دارد. از سوی دیگر، رژیم صهیونیستی غالباً در مسائلی همچون واریز درآمدهای حاصل از جمع‌آوری مالیات به حساب تشکیلات خودگردان کارشکنی می‌کند و همین مسأله مشکلات مالی بسیاری را برای این تشکیلات به وجود آورده است.

بر اساس آنچه که گفته شد، به نظر می‌رسد مواضع سرسخت سعودیها در قبال گروه‌های مقاومت مردمی در سرزمین‌های اشغالی از یک سوی و برخورداری خاندان سعودی از منابع مالی هنگفت از سوی دیگر، موجب شده تا «محمود عباس» در اقدامی با هدف خوش رقصی برای رژیم سعودی، بلافاصله پس از اعلام حمایت این رژیم از گروهک منافقین، با سرکرده این گروهک دیدار و گفتگو کند.

علاوه بر این، این مسأله نیز بر هیچکس پوشیده نیست که حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران از گروه‌های مقاومت مردمی در فلسطین هیچگاه به مذاق تشکیلات خودگردان خوش نیامده است. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران در طول سال‌های گذشته هیچگاه موضعی رسمی علیه تشکیلات خودگردان اتخاذ نکرده و همواره برای مقامات این تشکیلات احترام قائل شده است. با این حال، حمایت‌های تهران از «مقاومت مسلحانه» در سرزمین‌های اشغالی با هدف احقاق حقوق مردم مظلوم فلسطین همواره موجبات آزرده‌خاطر شدن ابومازن را فراهم آورده است. از همین روی، به نظر می‌رسد که محمود عباس از دیدار با «مریم رجوی» به نوعی قصد داشته تا این پیام را به مقامات ایرانی برساند که: «اگر شما با جبهه مقابل ما در ارتباط هستید، ما نیز می‌توانیم با جبهه مقابل شما ارتباط برقرار کنیم».

بر همین اساس، شاید ابومازن قصد دارد بدین ترتیب با جمهوری اسلامی ایران وارد معامله شود، به گونه‌ای که قطع ارتباط خود با گروهک منافقین را منوط به دست کشیدن ایران از حمایت از گروه‌های مقاومت فلسطینی کند. البته ذکر این نکته ضروری است که وجود چنین نیتی - در صورت وجود آن - در حد یک توهم و رؤیا برای ابومازن باقی خواهد ماند، چراکه جمهوری اسلامی ایران هیچگاه به وی به عنوان تصمیم‌گیرنده اصلی در فلسطین نگاه نکرده و تنها در حد و مقیاس رهبر یک جریان خاص در این کشور برای او احترام قائل بوده است.

افزون بر این، اختلاف مواضع رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین با جمهوری اسلامی ایران بر سر مسأله فلسطین و نحوه مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی، موضوع جدیدی نیست. بنابراین، از فردی همچون ابومازن که «مقاومت مسلحانه» در برابر رژیم صهیونیستی را رد می‌کند، به دنبال مذاکره و سازش با این رژیم کودک‌کش است، در سرکوب انتفاضه‌های مردمی با صهیونیست‌ها همکاری و گروه‌های مقاومت مردمی را بزرگترین مانع در مسیر تحقق آشتی ملی معرفی می‌کند، انتظار نمی‌رود که با یک گروهک تروریستی هم‌جنس با صهیونیست‌ها بر سر یک میز بنشیند.

البته در این میان، برخی از مقامات تشکیلات خودگردان فلسطین مدعی شده‌اند که دیدار ابومازن با سرکرده گروهک منافقین یک تصمیم فردی بوده و به رویکرد این تشکیلات هیچ ارتباطی ندارد. این در حالی است که این رویکرد تشکیلات خودگردان فلسطین تنها به «محمود عباس» محدود نمی‌شود، چراکه پیشتر نیز وقوع چنین رویدادی مسبوق به سابقه بوده و «یاسر عرفات» رئیس سابق تشکیلات خودگردان با «مریم رجوی» سرکرده گروهک منافقین در لندن دیدار کرده است. درست به همین دلیل است که انتشار خبر دیدار ابومازن با رجوی آن‌گونه که انتظار می‌رفت، موجب تعجب افکار عمومی نشد.

از سوی دیگر، جنبش «فتح» فلسطین که ریاست آن را «محمود عباس» بر عهده دارد با صدور بیانیه‌ای ضمن انتقاد از اظهارات «حسین شیخ الاسلام» مشاور وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در خصوص دیدار «ابومازن» با سرکرده گروهک منافقین، صراحتاً از این گروهک به عنوان «شورای ملی مقاومت ایران در خارج» یاد کرده و مدعی شد: «ما پیشتر با جنبش‌های آزادی‌خواه ارتباط داشتیم و هم‌اکنون نیز برای خود این حق را قائل هستیم که با جنبش‌های آزادی‌خواه!! در جهان ارتباط داشته باشیم». بنابراین مطرح شدن این ادعا که دیدار ابومازن با رجوی یک تصمیم شخصی بوده کاملاً بی‌پایه و اساس است.

بیانیه جنبش «فتح» فلسطین پس از آن صادر شد که «حسین شیخ الاسلام» مشاور وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران تأکید کرد: «محمود عباس با توجه به رویکرد و سابقه‌ای که از خود نشان داده است به خوبی ثابت کرده است که دست‌نشانده آمریکا است به گونه‌ای که اسناد همکاری وی با آمریکا در لانه جاسوسی پیش از انقلاب کشف شد و مشخص شد که وی مامور CIA است از این رو دیدار وی با مریم رجوی سرکرده گروهک تروریستی منافقین دور از انتظار نبود».

از سوی دیگر، پایگاه عرب زبان «رأی الیوم» در مطلبی به بررسی علل سفر «محمود عباس» رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین به پاریس پایتخت فرانسه و دیدار با «مریم رجوی» سرکرده گروهک منافقین پرداخت. این پایگاه در این باره می‌نویسد: «3 هفته پیش اخباری مبنی بر مشارکت هیأت فلسطینی به ریاست محمد اللحام در کنفرانس مخالفان ایران منتشر شد که از سوی سازمان آزادی بخش فلسطین به ریاست محمود عباس تکذیب شد؛ این گونه تکذیب‌ها برای گمراه کردن است».

این پایگاه ادامه می‌دهد: «دیدار محمود عباس با مریم رجوی فقط به حمایت معنوی و سیاسی گسترده از مخالفان ایران محدود نمی‌شود بلکه بیانگر این است که تشکیلات خودگردان و جنبش فتح که ریاست هر دوی آنها را محمود عباس برعهده دارد، در خندق محور سعودی ضد ایرانی وارد شده است؛ یعنی عباس از اردوگاهی به اردوگاهی دیگر متمایل شده است و این اقدام با اصل بی‌طرفی و قرار دادن مسأله فلسطین در رأس امور تناقض دارد».

رأی الیوم اضافه می‌کند: «آیا به نفع آرمان فلسطین است که وارد قطب بندی‌ها شود؟ آیا در مقطع کنونی این اقدام مناسب است؟ آیا عباس با فلسطینی‌ها در این زمینه گفتگو کرده است به ویژه که وی خود را سخنگوی ملت فلسطین می‌نامد و سیاست‌های خود را در راستای خدمت به آرمان فلسطین می‌داند؟ ما طی سال‌های اخیر بسیار سیاست‌های محمود عباس را نقد کرده ایم اما وی همچنان اشتباهات مصیبت بار خود را تکرار می‌کند و همین اشتباهات وی مردم فلسطین را به اینجا رسانده است و مسأله فلسطین را اینچنان به حاشیه رانده است».

در هر صورت، «محمود عباس» در حال حاضر - خواسته یا ناخواسته - به جای مطالبه حقوق مردم مظلوم فلسطین در دامی که سعودیها برای وی پهن کردند، گرفتار شد و به دیدار مژه سوخته‌ای رفت که برای زنده نگاه داشتن خود، به دنبال کسب مشروعیت و جمع‌آوری آبروی از دست رفته‌اش است.

هرچند که با توجه به حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران از تشکیلات خودگردان فلسطین با وجود اختلاف مواضع با این تشکیلات، اقدام «محمود عباس» در دیدار با سرکرده گروهک منافقین نوعی دهن‌کجی به تهران محسوب می‌شود، اما در این میان، این «محمود عباس» و جریانهای مورد حمایت وی در فلسطین هستند که متضرر می‌شوند، چراکه آنها هم اکنون بیش از پیش چوب حراج به آبروی خود زده و آشکارا از تروریست‌های تکفیری هم‌جنس با صهیونیست‌ها حمایت می‌کنند.

همانگونه که گفته شد، جمهوری اسلامی ایران تاکنون برای تشکیلات خودگردان فلسطین تنها نوعی احترام قائل بوده نه بیشتر و هدف اصلی آن حمایت از گروه‌های مقاومت و آرمان ملت فلسطین بوده و نه ارتباط با تشکیلاتی که هیچگاه رئیس آن را به عنوان یک فرد برآمده از آراء مردم فلسطین به رسمیت نشناخته است. در همین ارتباط، «حسین امیرعبداللهیان» مشاور رئیس مجلس شورای اسلامی ایران می‌گوید: «ابومازن برخی اوقات درخواست سفر به کشورمان داشت اما گلایهایی از برخی اقدامات و سخنان وی داشتیم و آن‌ها را به او منتقل کردیم و گفتیم که افکار عمومی مردم کشورمان اقدامات وی را نمی‌پذیرد».

حال باید دید، فردی که درخواست سفرش به ایران چندین بار مورد مخالفت قرار گرفته و از سوی مقامات و مسئولان ایران به حضور پذیرفته نشده است، چگونه قادر خواهد بود اهداف خود از دیدار با سرکرده گروهک منافقین را عملیاتی کند؛ دیداری که تنها خروجی آن چیزی نبود جز کنار رفتن نقاب از چهره اصلی سردمداران سازش در سرزمین‌های اشغالی.

منبع: مهر